جلد ثانی از کتاب استقصاء الافحام
فی نقض منتهی الکلام تألیف الفقیر
الی الله العبد الضعیف حامد حسین
عفی عنه

و میان تاریخ شرایع [illegible]

حدیث ابن الزبیر از ابن عمر
جلد اول و در منشور نسخه ثانیه [illegible]
تکذیب ابو بریده از عاملی شرح احکام [illegible]
هدم کعبه ابن الزبیر و ذم آن از ازالة الخفا
ذم حسن اتبع [illegible] از ازالة الغیب
العلم بخلافت امام حسن از ازالة الغیب
تحقیق اهل عراق از کافر قوم [illegible]
و سیاتهم

اصلاح عبارت مقام صور [illegible] جلد اول

حدیث بعث شیاطین از [illegible]

حسد عمر از تنبیه الغافلین فقیه ابو اللیث

مدح سید علی خان از تذکره علما [illegible]
در مقام حسد

مقام ابن شنبوذ از شرح [illegible] قاضی عیاض
[illegible] قرآات شاذه

در مقام بیعت ابن عمر الکاراهی [illegible] از ازالة
الخفا دلت الکار بر [illegible]

در مقام [illegible] از [illegible] بیعت با [illegible]
کلام ابن القیم در [illegible] با [illegible]
ولفظ اضطرار

تعبیر مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لا یسمع
الا دعاء و ندا با آنکه مراد از آن ام است
مثل داعی الذین کفروا در [illegible] ورق ۶
در مقام تکفیر بعض باید نوشت

[illegible] از [illegible] ابو حفص
از میزان شعرانی
از [illegible]
[illegible]
قول جاحظ [illegible] روات [illegible]
دلالة انه [illegible] کلام جاحظ
باید نوشت
[illegible] از [illegible]

مدح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

در [illegible] از [illegible]
در [illegible]
[illegible] از روض المناظر

در مقام شفاعت [illegible]
کلام [illegible] که در امارت مذکور [illegible]
[illegible]

کلام ابن الشحنه از تاریخ [illegible]
[illegible] مجتهد [illegible]

حدیث [illegible] از
از شرح احکام [illegible]

روایت [illegible]
[illegible] از تفسیر
ابو اللیث

روایت [illegible]
از ابو اللیث

میکروفیلم تهیه شد

۱۳۷۲ / ۱۰ / ۳

آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب استقصاء الافحام جزء ۲

مؤلف متن سید حامد حسین بن محمد قلی نیشابوری هندی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر قرن ۱۴ نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۲۱ سطری

جزء کتب کلام زبان فارسی عدد اوراق ۶۳۶ صفحه

طول ۳۲ عرض ۲۲ شماره عمومی ۲۱۶۴۵

وقفی / خریداری .... تاریخ وقف / خریداری خرداد ۱۳۷۰

ملاحظات

صفحه هیجده از اول کتاب مکرر نوشته شده است

بازبین شد

۱۳۷۱ ش

در تفسیر علی بن ابراهیم

و در این تاریخ سر ا...

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الفاضل المتوحد النبیل هداه الله تعالی الی سواء السبیل هرگاه حال کتاب سلیم و اعتقاد اکابر قوم در حق آن
در ذهن نشین شد اکنون درباره کتاب دوم یعنی تفسیر اهلبیت که استاد کلینی جامع آنست آنچه علمای امامیه ذکر نموده اند
دیده در ذهن خود بکمال احتیاط نگاهداشتنی است ملخص آن از نام نامی و لقب گرامی مانند نور بر شاهق طور هویداست
همه اصحاب فوائد مدنیه که نزد حضرت علامه محمد باقر مجلسی رئیس امامیه و قدوة المحدثین و کتابش معتمد علیه است کما نص علیه فی ذلک البحار کان کتاب
از افادات ائمه معصومین اعتقاد می کنند و میگویند هو تفسیر صحیح تجوز فی الشریعة الاعتماد علیه لانه ماخوذ
ممن اصحاب العصمة علیهم السلام و در حقیقت مرتبه این کتاب مستطاب بر اصول امامیه از همه در گذشته
زیرا که گویا تمامی تفسیر مذکور افاده حضرت باقر علوم اولین و آخرین و حضرت امام بحق ناطق جعفر صادق است که از نزد کتاب
مخزون مختوم بخواتیم الذهب بانتشار علوم نبوی و علوی مامور بوده اند و اگر صحف آسمانی را در واقع تحقیقی و اصلی بوده
کما هو مزعومهم حرفی بر زبان آنحضرات خلاف نفس الامر نگذشته بخلاف ائمه دیگر که معاذ الله بر اصول بدعین مرید و تابعی
اهل بیت طاهرین مدة العمر علی کره الجمهور و مر الدهور باظهار حق آشنا نگشته
اند با این همه جامع تفسیر مذکور علی بن ابراهیم قمی است که ابو جعفر کلینی یکی از تلامذه
اوست چنانچه مطلع فوائد مدنیه و دیگر کتب معتمده بلکه خود کتاب کافی بر آن

اقدام کرده پس اگر تشنیع بر ظاهر روایات شیعه لازم خواهد آمد اول بر آیات قرآنیه لازم
خواهد آمد زیرا که همه این امور در قرآن ثابت شده پس کمال عجب است از امری که در ایجاد
فریقین و آیات قرآنیه ثابت باشد آنحضرات آنرا مدار تشنیع و تغلیظ نکرده اند بالجمله
مدار تشنیع بر محض لفظ حسد است پس چون آن بمعنی غبطه هم می باشد تشنیع ساقط است و
اگر مدار برین است که از حضرت آدم اقراری واقع شده که مورد وعید شده به موجب دخول
در نهی و عصیان و مستلزم گردیدن فاعل آن از ظالمان است پس چون این امور از نفس قرآن
ثابت است موجب تشنیع نگردد پنجم آنکه آنچه گفته که امری که داعی بر تسلط شیطان و اخراج از
بهشت و باعث محذوریت و مردودیت گردد در مذمومیت و ممنوعیت آن عندالله شکی*
و ریبی نیست بجواب آن صرف همین قدر میگوییم که امری که داعی بر تسلط شیطان و اخراج حضرت
آدم از بهشت و باعث محذوریت و مردودیت بزعم او العیاذ بالله نه گردد نزد کافه مسلمین از
نفس قرآن ثابت است پس هر جوابیکه حضرات اهل سنت که قائل بعصمت انبیاء اند خواهند داد همان جواب
از طرف اهل الحق مقبول خواهد شد ششم آنکه آنچه در وجه دوم در بیان وجود اینکه حسد بمعنی غبطه
نیست افاده فرموده محصل آن و محصل اول متحد است محض برای اظهار تجانس عوام یک امر را دو بار باختلاف
عنوان آورده تا دانند که بوجوه بسیار کلام حسام را رد کرده هفتم آنکه آنچه افاده فرموده
که صغری ثابت کبری است پس معصیت عظمی بود و آیه کبری است بر اقدام کرام او فان الصغری ثابتة
بنصوص القرآن و آیات الفرقان من ارتکاب آدم اکل الشجرة بعد النهی و الوعید و وقوع الارتکاب
و التاکید فیستلزم علی زعمه ان آدم علیه السلام ارتکب اثما بینا و قارف جرما عظیما مبینا و نفی
ذلک نسبة تامة علی من لازم دینا و اشرق بالاسلام جبینا هشتم آنکه آنچه گفته حاصل تمسک
بحدیث بخاری برای اثبات حسد بمعنی غبطه و امر مذموم نیست تا ثبوت حسد بمعنی غبطه در روایت
بخاری انکار مجیب است الخ پس مبتنی بر عدم فهم مرام و ادراک مغز کلام است زیرا که تمسک بحدیث
بخاری صرف برای اثبات این معنی است که اطلاق حسد بر غبطه می شود و هرگاه جواز اطلاق حسد بر